



سخنرانی

شهید
دکتر
باهنر

در جمع مدیران

در آن نظام مسئولیت پذیری یعنی در آمد
بیشتری داشتن امکانات بیشتری که بتواند اینطرف و
آنطرف زمینی را بگیرد و برای خود خانه بهتری دست و
پا کند و قوم و خویشهایش را سرکار بیاورد . پولی
به جیب بریزد مأموریت های برای خود درست
کند . حال و هوای مسئولیت پذیری در نظام گذشته
اینطور بود و لذا کوشش می کردند که در یکجا
پست و مقام داشته باشند . می گفتند همین قدر که
دستمان بند شد دیگر کارمان درست است و
بدنبالش هر گونه سوء استفاده های که آنها اهل
سوء استفاده بودند . در نظام جمهوری اسلامی
یکدفعه وضع عوض شد و آدم می بیند مسئولیت
پذیری در اینجا یعنی پذیرفتن بار ، یعنی



اسلامی و این انقلاب اندکی بکاهد چون دقیقا " در راه خداست و برای خدایش بسوی معراج و بسوی بهشت و بسوی رضای پیغمبر خدا و ائمه اطهار قدم برداشتن است . اینجاست که دیگر مسئله پول و امتیازات اجتماعی و رفاه ، عیش و نوش ، دست یابی به امتیازها و اینطور چیزها مطرح نیست استقبال از خطر است مسئولیت پذیری است اما بدنبالش راه باز شدن است برای اینک انسان بسوی خدا قدم بردارد و انقلاب و اسلامش رایاری کند ، عزیزان این انقلاب و نسل انقلاب را بسازد و رشد دهد ، لذا انسان میبیند یکدفعه راه بسوی یک نشاط معنوی باز میشود ولی روی آن نشاط های مادی و امتیازهای چنیسن و چنانی خط قرمز کشیده میشود در چیهها بسوی پرواز ملکوتی باز میشود اگر آدم آخر شب بخانه رفت و دید که توانسته خدمتی برای انقلاب و برای پرورش نسل انقلابش بکند ابتکار تازه ای بخرج داده و همت تازه ای کرده است انبساط خاطر و شگوفایی در سیما ی چهره او پیدا است آن نشاط معنوی در چهره او پیسدا میشود و چقد زیبا و باشکوه است در دل رنج ، امید داشتن در جبهه در آن موقعی که باران تیرو رگبار گلوله می بارد در همان موقع انسان احساس کند که فی سبیل الله است . برای خدا و برای رضایت خداست چقدر لذت بخش است ولی کسی که به زور به جبهه رفته باشد (مثل لشکریان صدام) یا احيانا " با یک تطمیع زیاد به امید آنکه به چیزی برسد برای این چقدر وحشت آورو دلهره آورا است چقدر تاریک و ظلمانی است اما آن دیگری وقتی مرگ را جلوی خودش می بیند ، بهشت را می بیند خدا و معراج را می بیند و لذت میبرد اگر هر یک از ما در جبههها و سنگرهای خودمان احساس کند

پذیرفتن رنج ، یعنی بدنبال اضطراب رفتن ، در کام خطر رفتن مسئله فوق العادگی و درآمد مالی مطرح نیست مسئله بکار گرفتن بستگان و دوستان و آشنایان و امتیاز گرفتن برای آنها مطرح نیست . مسئله استفاده از حق ماموریتها و چنین و چنان مطرح نیست مسئله اینکه نق نقهای بیشتری را شنیدن و چشمهای نگران ناظر او بودن که کدام قدم را غلط برمیدارد فوری بمبارانش کنند و بگویند که توجیبنی و توجیانی و در معرض خطر تصفیه بودن و یک حالت اینجوری داشتن است و نمی خواهم بگویم تصفیه حتما " آن تصفیه رسمی است تصفیه های اجتماعی سیاسی هم هست یک کسی ممکن است ظاهرا " تصفیه نشود و باو نگویند که تو باید پاک سازی شوی ولی یکدفعه میبینی که از نظر اجتماعی ، سیاسی سقوط میکند یک تخلف کرده مثلا اشتباهاتی کرده و وظیفه اش را درست انجام نداده جامعه آنرا نمی پذیرد و میگویند این آدم آدم بدرد بخوری نیست این آدم صالحی نیست گفتم تصفیه : مقصودم آن تصفیه نبود ولی اینکه بطور کلی در روال حرکت انقلابی جامعه یک فرد ناگهان سقوط میکند بنا بر این مسئولیت پذیری در نظام جمهوری اسلامی حال و هوای دیگری پیدا میکند میشود تلاش . سنگینی بار ، خستگی زیاد ، در معرض تهمتها و ررنجهها قرار گرفتن اما در عین حال در روی دیگر سکه وجهه خدائیش و آن جهات الهیش ظاهر میشود آدم احساس می کند باری رازوی دوشش گذاشته که اگر بتواند آنرا لنگ لنگان به منزل برساند نتوانسته است از سنگینی بار نظام جمهوری

که برای خداکار میکند می‌خواهد خدمتی بسه دوستانش و انقلاب بکند، مسئولیت می‌آید خوشحال است، بلا می‌آید خوشحال است، رنج دارد خوشحال است چرا برای اینکه برای خداست. بنابراین ما امیدوار هستیم شما مدیران عزیز مسئولیت خودتان را احساس کنید برای اینکه کار از نظر وضع درسی و تربیتی پیش برود و یک مقدار ابتکار داشته باشید. اگر چنانچه مدرسه‌ها نظر آزمایشگاه، کارگاه نواقصی دارد تلاش کنید و بخواهید که این اشکالات رفع گردد. انشاءالله امیدواریم که بشود بودجه و امکاناتش را فراهم کنیم و سعی کنیم کارگاهها و آزمایشگاههای مدارسمان خوب باشد اگر چنانچه مدرسه کمبودهایی از نظر ساختمان دارد خودمان در طرحهای توسعه و تاسیس مدارس تلاش و همکاری کنیم تا انشاءالله از این جهت هم کمبود مارفعل شود از نظافت مدرسه تا سطح درس و سطح تربیت بتوانیم نمونه اسلامی بسازیم. همین مسئله نظافت و نظم میتواند نمونه اسلامی در مدرسه ما باشد از افرادی که در حوزه کارما هستند کار بخواهید وظیفه بخواهید واقعا " مواخذه کنیم چه از مستخدم چه معلم، مربی، ناظم و دفتر دارکارو وظیفه شناسی بخواهیم، مراقبت کنیم خودمان بیشتر کار کنیم تا زبان باز شده و بتوانیم بديگران بگوئیم بیشتر کار کنند. بعد لحظه به لحظه، روز بروز، هفته به هفته، در جریان پیشرفت کار هر کلاس و معلم باشیم چه اشکال دارد که مدیر در جریسان پیشرفت هر درس باشد. برای اینکار باز در مدارس ملی گذشته طرحهایی داشتند. همکاری را میگرفتند خودشان ارزش یابی میکردند وسیله کار را می گرفتند و مراقبت می کردند حتی برای هر معلم

منحنی رسم می کردند که اول منحنی کجا بود بعد بالا رفت و پائین آمده یا تغییرات آن چطور شده است. برای هر کلاس میتوان منحنی رسم کرد که سطح پیشرفتش، سطح افتش را معدل بگیرد و ببینید وضع چگونه بوده و چطور شده است از تعطیلی های بیخود و بیجهت کلاس ها باید جلوگیری کرد. از اینکه زنگ کلاس ها سر موقع زده شود ولی مدرسه زودتر تعطیل شود خودداری کنید. در مدرسه امکان برای کارهای فوق برنامه و تربیتی بیشتر فراهم کنید و بچه ها را برای همکاری بیشتر تشویق کنید برای اینکه کارهای فوق برنامه انجام شود رابطه خودمان را با نهادهای انقلابی زیادتر کنیم در تابستان مدرسه ها ۱۰۰٪ بصورت تعطیل در نیاورید چه میشود اگر برای بچه ها کارها و برنامه های عمومی بگذاریم حتی اگر میشود در بعضی از کلاس ها برای بچه ها کلاس تقویتی بگذاریم. چه میشود اگر معلمین در ۳ ماه تابستان به خاطر انقلابیشان و برای بالا بردن سطح فرهنگ مردمشان کلاس بگذارند برای بچه های عقب مانده و بچه هاییکه از مناطق جنگ زده آورده شده اند و از درستان عقب مانده اند کلاس تقویتی بگذارند کار کنند و بدنبال حق التدریس و مسائل دیگر نباشند. تابستانمان تابستان مردهای نباشد. تجربه کنید و تجربه های خودتان را به ما منتقل کنید که آیا میشود در تابستان کار کرد؟ من نمی خواهم بگویم که شما میگوئید آقا ما ۹ ماه کار کرده ایم و حالا شما میگویید ۳ ماه تعطیلی هیچ و نباشد. نممن نمی گویم که ۱۰۰٪ تمام روز و یکسره کار کنید ولی بالاخره از آن حالت خوددگی و افسردگی تعطیلی تابستان بیرون بیائید آدم واقعا " شرمند می شود و فتی که جوانان و عزیزانش در جبهه باشند و شب و روز رانفهمند و ما یکمرتبه ۳

شهر با ابتکارهای محلی و منطقهای میتوان کارهای مفیدی انجام داد .

من یک پیشنهاد دارم و آن اینکه برای دسته دسته از معلمین جلسات بحث دسته جمعی قرار دهیم با نظارت یکی ، دونفر یعنی اگر یک معلم قوی تر نیست که ایدئولوژی درس بدهد جلسات ۲۵، ۳۰ نفری باشد باهم قرار بگذارند که فلان کتاب مرحوم شهید مطهری را مطالعه کنند خلاصه کنند، باهم بحث کنند یا یک بحث اسلامی را وظیفه قرار دهند که هر کسی مقاله و مطلبی را تهیه کند و جلسه بصورت مباحثه طلبگی برگزار شود یعنی یک عده دور هم بنشینند و افکارشان را روی هم بریزند و باهم مبادله فکرو نظرواطلاعات کنند . بنظر من میشود ابتکار بخرج داد البته بصورت های مختلف ، کلاس داشته باشیم ، کارهای فوق برنامه را گسترش دهیم بچهها را برای کارهای بسیج آموزش دهیم آدم میتواند از یک پزشک متعهد دعوت کند بیاید در حدود ۲۰، ۳۰ ساعت امدادهای اولیه را خوب درس بدهد یک پانسمان یک آمپول زدن را هم یاد بگیرند و آماده بشوند برای کمک کردن در بیمارستانها. پریروز در بیمارستانی که مجروحین و معلولین بستری بودند رفتیم کمبود نیروی خوب لمس و احساس میشد مگر برای کمک های اولیه در بیمارستان حتما " بایستی ۸ تا ۱۰ سال پزشکی خواند میتوانید این کارها را به بچه های خوبتان آموزش دهید و آنها را برای بسیج ، جهاد سازندگی آماده کنید در هر حال انشاء الله سعی کنید که متناسب با ظرفیت و خواست انقلاب کوشش کنیم و همه دست بدست هم بدهیم با امید، با ابتکار و خلاقیت خدا را یاری کنیم انشاء الله خدا هم یارو یاور شما باشد .
والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .

ماه تعطیل باشیم و برویم دنبال استراحت ، برای این موضوع فکری بکنید ، مدارس برنامه داشته باشد برای تشکیل سمینارها و اردوها طرح و پیشنهاد بدهید ، همکاری کنید . آموزش ضمن خدمت در حال برنامه ریزی هائی هست اگر شما پیشنهاد دیگری دارید ارائه دهید و کمک کنید کلاسهای در سطح شهر برای سطوح مختلف دائر گردد از بعضی دبیران پیشرفته یا اساتید دانشگاه برای تقویت و بازآموزی دبیران کمک بگیرید چاشکال دارد . دوتا از اساتیدی که زبانشان قوی است و شیوه هائی برای تدریس دارند یک دوره ای برای تقویت زبان دبیران زبان بگذارند یا اینکه یکی در کارهای آزمایشگاهی قوی است در یکی از مدارسی که آزمایشگاهش خوبست استفاده کنند در تابستان دبیران فیزیک و شیمی یک دوره کوتاه مدت در زمینه کار آزمایشگاهیشان ببینند و سطح معلوماتشان بالاتر برود یا مثلا فرض کنید برای فعال کردن کتابخانه بعضی از دبیران در تابستان همکاری کنند و کار کنند اینها همه را میشود برنامه ریزی کرد در سطوح مختلف میتوان این کارها را انجام داد . برنامه هائی وجود دارد که انشاء الله از اول تابستان شروع خواهیم کرد برای تجهیز کتابخانه های سراسر کشور ا سال در حدود ۵۰ میلیون تومان بودجه توانستیم فراهم کنیم همچنین لیستی از کتابهای مفید تهیه شده و مشغول مقدماتی برای چاپ کردن آنها هستیم که لااقل هر مدرسه ای ۲۰۰، ۳۰۰، ۴۰۰ جلد کتاب مفید داشته باشد . (مخصوصا " در سطح روستاها) این کتابها را باید از اول تابستان در بین مدارس پخش کنیم خوب باید اینها را درست انتخاب کرد ، درست تجهیز کرد و بچهها را باید با این کتابخانه ها و مراکز آشنا نمود . در هر حال من فکر میکنم در سطح